



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۴۳	تاریخ	۱۴۰۴/۰۹/۲۲
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	تنبيهات بحث خبر واحد				
عنوان ۳	تنبيه سوم: بررسی موانع و مزاحم های خارجی حجیت				
عنوان ۴	اقسام مانع خارجی دیدگاه های شهید صدر رحمته الله در تأثیر موانع خارجی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

چکیده

در این درس، تمرکز بحث بر «تنبيه سوم» و بررسی موانع و مزاحم های خارجی حجیت خبر واحد بود. پس از آنکه در مباحث پیشین تأثیر موانع داخلی بررسی شد، در این جلسه سخن به عواملی اختصاص یافت که در خارج از ساختار خبر قرار دارند، اما قدرت دارند که با وجود تمامیت سند و وثاقتِ راوی، مانع از شمول ادله حجیت نسبت به آن خبر شوند. این موانع به دو دسته کلی تقسیم شدند: دسته نخست «موانع شخصی» هستند که ناشی از حالات ذهنی، استقرائات فردی یا روحیات خاص یک فقیه بوده و جنبه عمومی ندارند؛ و دسته دوم «موانع نوعی» که برای نوع عقلا و متشرعه ایجاد شک و تردید می کنند.

مهم ترین مصداق مزاحم نوعی، «اعراض مشهور اصحاب» و «شهرت فتوایی بر خلاف خبر» است. به عنوان نمونه، روایات صحیح دال بر «وجوب تعیینی نماز جمعه» یا «افطار با استتار قرص خورشید» با اینکه از نظر سندی بی اشکال و از روایات ثقات هستند، اما به دلیل رویگردانی عملی اصحاب متقدم، توسط فقها کنار گذاشته شده اند.

بیان شد که مبنای اصولی پذیرش مانعیت اعراض، در تحلیل ماهیت «وثاقت» نهفته است؛ بدین بیان که عنوان «وثاقت» در ادله حجیت، یک عنوان «مرآتیی» و کاشف است که هدف از اخذ آن، رسیدن به اطمینان و موثوقیت خبر می باشد. بنابراین، اگر عامل خارجی قدرتمندی مانند اعراض مشهور پدید آید که این کاشفیت را خنثی کرده و اطمینان به صدور (موثوقیت) را از بین ببرد، صرف وثاقتِ راوی برای بقای حجیت کافی نخواهد بود و موضوع دلیل حجیت منتفی می گردد.



مرور مباحث پیشین

بحث امروز در «تنبیه سوم» است؛ از تنبیهاتی که در ذیل مبحث حجیت خبر واحد باید به آنها پرداخته شود. در مباحث پیشین به این نکته پرداخته شد که اگر مانع یا مزاحمی در درون خبر برای شمول ادله حجیت خبر نسبت به خبر واحد وجود داشته باشد، حکم چیست؟ مقصود از «مزاحم داخلی»، مزاحمی است که موجب عدم موثوقیت خبر یا موجب ضعف وثاقتِ مخبر می‌گردد؛ یعنی با اینکه خبر، خبرِ ثقه است - و قاعدتاً خبرِ ثقه در موضوع ادله حجیت اخذ شده است - اما عواملی در کار باشد که ایجاد ضعف کند.

نتیجه مباحث گذشته آن شد که: آنچه موضوع حجیت خبر است، «موثوقیتِ خبرِ ناشی از وثاقتِ مخبر» است؛ یعنی هر دو رکن (وثاقتِ راوی و موثوقیتِ خبر) دخیل‌اند؛ بدین شکل که موثوقیتِ خبر باید نشئت گرفته از وثاقتِ مخبر باشد.

تنبیه سوم: بررسی موانع و مزاحم‌های خارجی حجیت

موضوع در تنبیه سوم، پیرامون وجود یک مزاحم در «خارج از خودِ خبر» است. این مزاحم خارج از خبر، موجب می‌شود که ادله حجیت خبر شامل این خبر نشود؛ یعنی با شمول دلیل حجیت نسبت به این خبر معین مزاحمت می‌کند. مثال مزاحم خارجی، مواردی مانند «اعراضِ اصحاب» است؛ یعنی خبری موجود است و راوی آن ثقه می‌باشد، اما اصحاب از آن اعراض کرده‌اند و به آن عمل نکرده‌اند. یکی از بارزترین نمونه‌ها در این بحث، اخبار یا روایاتِ دالّ بر «وجوب تعیینی نماز جمعه» است.

علت اینکه برخی از بزرگان به اخبارِ دالّ بر وجوب تعیینی نماز جمعه عمل نمی‌کنند، این است که قائل‌اند: اعراضِ اصحاب از این خبرها وجود دارد؛ یعنی اصحاب به این روایات عمل نکرده‌اند؛ لذا است که نمی‌شود به این خبرها عمل کرد. تحلیل اصولی:

در اینجا «موثوقیتِ خبر» - نه وثاقتِ مخبر - دچار مشکل شده است. فقیه می‌گوید: با اینکه خبر، خبرِ ثقه است، اطمینانی حاصل نمی‌شود که مضمونِ این خبر، مراد و مقصودِ جدیِ امام باشد.

البته در خصوص مسأله فقهی نماز جمعه، در محل خود پاسخ داده‌ایم که علتِ عمل نکردنِ اصحاب به این خبرها، شرایطِ تقیه بوده است؛ و لذا هرگاه شرایطِ تقیه تضعیف می‌شد، به آن عمل می‌کردند. دلیلش هم در خودِ خبرها هست که می‌فرماید: «فَإِذَا اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ وَلَمْ يَخَافُوا أَمْهَمَّ بَعْضُهُمْ وَخَطَبَهُمْ»^۱. قید «وَلَمْ يَخَافُوا» که نشان‌دهنده شرایطِ حاکم بر شیعیان بوده است. اما اکنون مجال ورود به بحث فقهی آن نیست.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب صلاة الجمعة، ب ۲، ح ۴.

خلاصه اینکه از جمله مصادیق مزاحم خارجی، «اعراض اصحاب» است که ممکن است مانع از موثوقیت خبر شود؛ و یا «شهرت فتوایی بر خلاف»؛ یعنی حتی اگر اعراض در مقام عمل نباشد، اما شهرت فتوایی بر خلاف مضمون خبر وجود داشته باشد.

- این موارد، موانع یا مزاحمات خارجی هستند که موجب از دست رفتن موثوقیت خبر می شوند.
- این بحث را می توان با عناوین دیگری نیز در لسان اصولیین طرح نمود و گاهی این چنین مطرح شده است:
۱. آیا ظن به وفاق (ظن به مطابقت با واقع) شرط در حجیت خبر است؟
 ۲. آیا ظن به خلاف (ظن به عدم مطابقت با واقع) مانع از شمول ادله حجیت خبر است؟
- منشأ این ظن به خلاف، از عواملی مانند همین اعراض اصحاب نشئت می گیرد؛ که موجب ایجاد ظن به این می شود که خبر مطابق با واقع نیست؛ زیرا اگر مطابق بود، چرا اصحاب از آن اعراض کردند؟
- بنابراین، بحث در لسان برخی اصولیین بدین گونه مطرح شده است که با وجود اینکه خبر، خبر ثقه است و موضوع ادله حجیت خبر ثقه محقق است، اما به دلیل خارجی - مثل اعراض یا شهرت - ظن به مطابقت با واقع تضعیف شده و یا موثوقیت خبر - و احیاناً وثاقت مخبر - مورد خدشه قرار گرفته است.
- در مجموع، می توان مسأله را با دو تعبیر بیان کرد:
- الف. آیا ظن به مطابقت با واقع در حجیت خبر شرط است؟
- ب. آیا ظن به خلاف واقع بودن خبر، مانع از شمول ادله حجیت خبر نسبت به خبر ثقه می شود؟ یا به تعبیر دیگر آیا «عدم ظن به عدم مطابقت با واقع» شرط حجیت است؟

اقسام مانع خارجی

پیش از این، «مزاحم داخلی» (عاملی در درون خبر که موجب سلب اعتماد به خبر یا تضعیف وثاقت مخبر می شود) مورد بحث قرار گرفت.

اما اکنون سخن در «مزاحم خارجی» است؛ یعنی عاملی بیرونی که موجب ایجاد «ظن به خلاف» می گردد. اگر تعبیر «مزاحم» دشوار است، می توان از تعبیر «مانع» استفاده کرد. این مانع خارجی که می تواند از شمول ادله حجیت نسبت به خبر ثقه جلوگیری کند، بر دو نوع است:

۱. مانع شخصی

نوع اول آن است که مانع، «شخصی» باشد. منظور از مانع شخصی این است که عامل ایجاد شک، مخصوص خود عمل کننده به خبر (مجتهد) باشد و جنبه نوعی نداشته باشد. این طور نیست که برای نوع مردم به وسیله این مانع، ظن به عدم مطابقت با واقع پیدا شود؛ بلکه این فقیه یا عامل به خبر، در شرایط خاصی قرار گرفته که موجب شده ظن به مطابقت با واقع از او سلب شود و یا ظن به عدم مطابقت پیدا کند.

سوء ظن ناشی از استقراء شخصی

ممکن است فقیهی در شرایط خاصی قرار گیرد که برای او «ظن به خلاف» حاصل شود. برای نمونه، فقیهی را در نظر بگیرید که در طول ممارست استنباط، با اخبار واحد زیادی روبرو شده است که پس از تفتیش و فحص، برای او معلوم شده که این اخبار - با وجود وثاقتِ راوی - صحتِ مضمونی ندارند.

در نتیجه این تجربیات، یک حالتِ خاص و نوعی سوء ظنِ شخصی نسبت به خبر واحد در او پدید آمده است. این حالت، مخصوص خودِ اوست و معلوم نیست که دیگران هم چنین حالتی داشته باشند.

محاسبات احتمالی و ناسازگاری با شرایط شخصی

گاهی نیز این تشکیک، ناشی از یک «حسابِ احتمالاتِ شخصی» است. فرض کنید خبر واحدی موجود است که راوی آن ثقة می باشد، اما مضمون آن به گونه ای است که با شرایطِ خاصِ فعلی آن فقیه سازگار نیست؛ به حدی که پذیرش و باور آن برایش دشوار است. این دشواری به معنای حرج شرعی نیست، بلکه به این معناست که باور نمی کند این خبر صحیح باشد؛ زیرا مضمون آن با شرایطِ خاصِ او همخوانی ندارد.

این مورد، یک مانع یا مزاحمِ شخصی محسوب می شود؛ درحالی که ممکن است دیگران به همین خبر عمل کنند و مشکلی هم نداشته باشند.

غلبه قرائن غیرمتعارف بر وثاقت مخبر

نمونه دیگر این است که برای یک شخص، مجموعه ای از قرائن غیرمتعارف حاصل شود. تجمع این قرائن موجب می شود که ظن به مخالفتِ خبر با واقع، بر احتمالِ مطابقتِ خبر با واقع غلبه پیدا کند.

توضیح آنکه: خبرِ ثقة دارای یک «احتمالِ مطابقت با واقع» است که از «وثاقتِ مخبر» نشئت می گیرد. اما در مقابل، احتمالاتِ ناشی از قرائن متعددی که برای این شخص خاص قائم شده است، موجبِ ایجادِ «ظن به خلاف» یا احتمالی قوی تر از احتمالِ صدق می شود. در این حالت، ظن به مخالفت با واقع، بر آن ظنِ حاصل از وثاقتِ مخبر غلبه می کند. این مورد نیز نمونه ای از مزاحم یا مانعِ شخصی است که جلوی حصولِ ظن به مطابقتِ خبر با واقع را می گیرد.

۲. مانع نوعی

نوع دوم از موانع خارجی، «مانع نوعی» است. مانع نوعی، عاملی است که برای نوعِ مکلفین و عقلا ایجاد شک می کند.

اعراض اصحاب

اعراضِ اصحاب؛ یعنی خبری که خبرِ ثقة می باشد و معارضی هم ندارد، اما اصحاب و فقهای متقدم به آن عمل نکرده اند.

یکی دیگر از نمونه های روشن این بحث، روایات متعددی است که دلالت دارند وقت نماز مغرب و زمان افطار، مقارن با «غروبِ قرصِ خورشید» و پنهان شدن قرص خورشید در افق است. این روایات، از نظر سندی، اخبارِ ثقات هستند و حتی از لحاظ تعداد، بر روایاتِ «ذهابِ حمرة مشرقیه» (از بین رفتن سرخی طرف مشرق) غلبه دارند.

اما وقتی فقیه به تاریخ تشیع و سیره اصحاب از زمان معصومین علیهم السلام مراجعه می کند، می بیند که آنان به این روایات (غروب قرص) عمل نکرده اند. این «اعراضِ اصحاب» موجب می شود که اعتمادِ فقیه به این خبرها ضعیف شود. ضعف

اعتماد بدین معناست که دیگر «ظن به مطابقت با واقع» در مورد این خبرها حاصل نمی شود. با اینکه خبر، خبرِ ثقه است، اما به دلیل اعراضِ مشهور، اطمینانی به آن حاصل نمی گردد.

این عامل، یک «عاملِ نوعی» است؛ یعنی فقهای دیگر نیز همین گونه اند و با مشاهده اعراض اصحاب، سلب اعتماد از مضمون خبر برایشان حاصل می شود.

شهرت فتوایی بر خلاف

عامل دیگر، «شهرت فتوایی بر خلاف» است.

توجه به این نکته لازم است که بحث فعلی درباره شهرتِ روایی نیست که معمولاً در باب تعارضِ خبرین و به عنوان مُرجّح مطرح می شود؛ بلکه بحث در جایی است که خبری واحد و ثقه موجود است، اما شهرت فتواییِ فقها بر خلاف آن قائم شده است.

سؤال این است: آیا این مانع خارجی (اعراض یا شهرت)، مانع از شمول ادله حجیت خبر نسبت به این مورد می شود؟

دیدگاه های شهید صدر رحمته الله علیه در تأثیر موانع خارجی

از مرحوم شهید صدر رحمته الله علیه در این رابطه دو دیدگاه نقل شده است - که شاید نشان دهنده تبدل رأی ایشان باشد:

دیدگاه اول: مانعیت اعراض

طبق این دیدگاه، اعراض اصحاب یا شهرت بر خلاف، مانع از حجیت است. استدلال این دیدگاه چنین است که این عوامل، مانع از «موثوقیتِ خبر» می شوند؛ و همان طور که پیش تر بیان شد، «موثوقیتِ خبر» شرط شمول ادله حجیت است. همانطور که در گذشته بیان شد، ادله حجیت شامل خبری می شود که: هم راوی اش ثقه باشد و ثقه بودنِ راوی، منشأ موثوقیتِ خبر گردد. بنابراین، اگر موثوقیتِ خبر - توسط اعراض مشهور - تضعیف شد، از شمول ادله حجیت خارج می شود.

دیدگاه دوم: عدم مانعیت (جمود بر وثاقت مخبر)

دیدگاه دیگری نیز از ایشان نقل شده است مبنی بر اینکه: «ما هستیم و دلیل». موضوع ادله حجیت خبر، «خبرِ ثقه» است. حال که موضوع صرفاً خبرِ ثقه است، اگر مخبر ثقه بود، ناچاریم بگوییم ادله حجیت شاملش می شود - و مثلاً اعراض اصحاب مانع نیست.

مبنای سقوط حجیت در صورت زوال کاشفیت

در مباحث گذشته تبیین شد که «وثاقت» از عناوینِ مرآتیه (آینه ای) است؛ یعنی «کاشفیت» در دلِ خود این عنوان اخذ شده است؛ وقتی عرف می گوید «فلانی ثقه است»، بدین معناست که «خبرش قابل اعتماد است». عنوان وثاقت مانند عناوین «علم»، «ظن» و «قطع»، دارای جنبه کاشفیت است - برخلاف شک به معنای تساوی طرفین یا وهم؛ وقتی کسی می گوید به چیزی قطع دارم، یعنی آن چیز نزد او واقعیت دارد. بنابراین، وثاقتِ راوی باید بتواند این کاشفیت و اعتماد را نسبت به خبر ایجاد کند.

دلیل این که اعراض اصحاب مانع حجیت می شود، در ماهیت «وثاقت» نهفته است. «وثاقت» وصفی است که ذاتاً جنبه «مرآتیت» (آینگی) نسبت به ماورای خود دارد؛ یا به تعبیر دیگر، ذاتاً دارای کاشفیت از متعلق خود است. به همین دلیل هنگامی که عنوان «ثقه» یا «وثاقت» در موضوع دلیل حجیت خبر اخذ می شود، از دلیل چنین استفاده می گردد که: آن وثاقت مخبری موضوع حجیت خبر است که کاشف از موثوقیت خبر و صحت آن باشد.

حال اگر این نوع وثاقت (وثاقت کاشف) در موضوع اخذ شده باشد، نتیجه چنین می شود: اگر موثوقیت خبر به وسیله عاملی خارجی - مانند اعراض اصحاب - تضعیف شد، به گونه ای که دیگر وثاقت راوی نتوانست کاشف از موثوقیت و درستی خود خبر باشد، در این صورت ادله حجیت خبر شامل آن نمی شود. بر اساس این استدلال است که گفته می شود: «اعراض اصحاب مانع از حجیت خبر می شود».

در نقطه مقابل این بحث، مسأله «جبر» مطرح می شود؛ هرچند اکنون در صدد بحث آن نیستیم، اما ارتباط وثیقی با این مبنا دارد. منظور از جبر، «جبر ضعف خبر توسط عمل اصحاب» است. گاهی خبری ضعیف است و اصلاً خبر ثقه نیست، ولی اصحاب به آن عمل کرده اند. در اینجا عمل اصحاب «موثوقیت» ایجاد می کند، با اینکه «وثاقت راوی» وجود ندارد. این بحث نیز دقیقاً مرتبط با همین معیار (محوریت موثوقیت) است؛ منتها بحث مستقلاً است که بعداً به آن پرداخته خواهد شد.

ادامه بحث را ان شاء الله فردا پیگیری خواهیم کرد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين